



مقام معظم رهبری(مدظله العالی)
ما امروز در آموزش و پرورش احتیاج به تحول داریم.

مشتا

معلم تمدن از نوین اسلام



بسج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

گاهنامه بسج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

سال دوم، شماره سوم چاپ مهر ماه

قیمت:صلوات



دکتر جنگایی:
یکی از افتخارات دانشگاه فرهنگیان این است که مورد توجه مقام معظم رهبری(بمنظله العالی) است.
سلام و عرض ادب خدمت شما سرکار خاتم دکتر جنگایی از اینکه این وقت را به مجموعه نشریه
مشتا بسج دانشجویی دادید بسیار سپاس گذاریم. **مهر امسال کمی متفاوت است نه ورودی جدید**
داریم و نه دیگر دانشجویمان حضور دارند **حس تان را نسبت به این روزها و احوالات این**
روز های پردیس را برابیمان بگوئید.

بسم الله الرحمن الرحيم
 با سلام و ادب و احترام دارم تمام اساتید گرانقدر و دانشجو معلمان عزیز آغاز سال تحصیلی ۴۰۰-۹۹ را مقارن با چهلمین سالگرد گرامیداشت هفته دفاع مقدس و یادآور ۸ سال ایثار و رشادت و شهادت مردمان عزیزمان بویژه جوانان و نوجوانان غیور و عزت و سر بلندی ایران اسلامی است به شما عزیزان تبریک میگویم و به روح ملکوتی امام شهدا و تمام شهدای سرافراز که برای تعالی کشور اسلامیمان هرجا لازم دیدند جانفشانی کردند چه آنهایی که در جبهه های جنگ برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور شهید شدند و چه کادر درمان که برای حفظ سلامت مردم از جان عزیزشان مایه گذشته اند، سلام و درود می فرستیم و ادای احترام می کنیم و امیدوارم که همه ما با قدم گذاشتن در مسیر شهدا و پیروی از منویات مقام معظم رهبری در راستای تحقق آرمان های والای انقلاب اسلامی تلاش مضاعفی داشته باشیم.

بله ما امسال برای اولین بار سال تحصیلی را آغاز کردیم و مهری را داریم تجربه می کنیم متفاوت و مهرهای تمام سالهای تحصیل و کارمان. مهر در ذهن ما معلم ها با حضور و شور و شوق دانش آموز و دانشجو، با تجدید دیدار با دانشجویان قدیمی تر و به اصطلاح سال بالایی، با چهره های شاداب و دوست داشتنی دانش آموزان و دانشجویان ورودی جدید که از عمق چشمانشان میشود امید و آرزو (البته با چاشنی کمی نگرانی و دلهره) را دید، گرّه خورده است. حالا شما تصور کنید که مهر امسال به خاطر حضور و شیوع میهمان ناخوانده ویروس کووید ۱۹ از این دیدارها محروم شدیم و فضای پردیس خالی از دانشجو، طبیعتا احساس خوشایندی نیست. اما با توجه به اهمیت حفظ سلامت دانشجویان عزیز بر رعایت پروتکل های بهداشتی و توصیه های ستاد مقابله با کرونا تأکید داریم چرا که سلامت شما عزیزان برای ما خیلی مهم است. امیدواریم به یاری خدایند هرچه سریعتر این میهمان ناخوانده از کل جهان و سرزمین ما رخت بر بندد و دوباره با حضور دانشجویان شاهد شور و نشاط در فضاهای آموزشی باشیم.

از مهر های دوران دانشجویی خداتان خاطره ای را برابیمان بگوئید.
 اولین مهر دوران دانشجویی من بعد از اتمام جنگ تحصیلی عراق علیه ایران بود و بواسطه اینکه در دانشگاه اولین جمران اهاوز پذیرفته شده بودم قبل از شروع کلاس ها،تمام دانشجویان ورودی جدید را برای بازدید از مناطق جنگی خرمشهر و آبادان به یک اردوی ۲ روزه بردند. اردویی شبیه راهیان نور که هرساله دانشجویان می روند. چون مدت زیادی از جنگ نگذشته بود مناطق کاملا حال و هوای جنگ داشت. بسیاری از تجهیزات جنگی به جامانده از دشمن و خرابیهای ناشی از حمله ناخواندانه آنها علیه این بخش از کشور عزیزمان بخوبی حکایت از جنگی نابرابر داشت. آنجا ما پیروزی ایمان و غیرت را دیدیم هر گوشه ای که نگاه میکردی جلوه ای از رشادتها و جانفشانی رزمندگانی را می دیدی که با اقتدا به مولایشان امام حسین (ع) و یاران با وفایش در کربلای جبهه های جنگ شجاعانه جنگیده و مفتخرانه دشمن را از سرزمین اسلامیمان بیرون رانده بودند. دیدن سنگر رزمندگان و زخم های ناشی از برخورد گلوله ها بر پیکر خرمشهر آزاد این پیام را برابیمان داشت که این آزادی و استقلال به آسانی بدست نیامده و در این سنگرها چه جوانان رشیدی که جان عزیزشان را برای حفظ کشورمان از دست داده اند و اینک ما نظیر شیوع ویروس کرونا شیوه مناسبی است و مسئولان آموزشی باید بکوشند با مرتفع نمودن اشکالات و باشیم برای اعتلای علمی کشورمان از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم.

این روزها آموزش ها در دانشگاه های کشور مجازی دنبال می شود بنظر شما اینگونه آموزش
برای دانشجویمعلمان نیز می تواند مفید و اصولی باشد؟از آنجا که اینجا بحث تربیت معلم وجود
دارد؟

شما می دانید هر نوع آموزشی که به شکلی غیر از روشهای سنتی رو در رو انجام گیرد و محتوای آموزشی و تجربیات مدرس به گونه ای در اختیارفراگیران قرار گیرد که بتوانند در هر مکانی از آن بهره بگیرند نوعی آموزش مجازی است. ابزار این نوع آموزش هم فناوری رایانه ای، اطلاعات و ارتباطات، ویدئو، تلویزیون آموزشی و... است. دانشگاه های بسیاری از کشورهای جهان چندین سال است از این نوع آموزش بهره می گیرند. در کشور خودمان هم برخی دانشگاهها از جمله دانشگاه تهران در این راه پیشگام هستند و در دانشگاه فرهنگیان هم حرکت به سمت آموزشهای مجازی از سال قبل با ارائه برخی دروس بصورت الکترونیکی شروع شده بود که در پی شیوع بیماری کرونا در ایران از اوایل اسفندماه سال گذشته و تعطیلی دانشگاهها و مراکز آموزش، در دانشگاه فرهنگیان هم مثل سایر دانشگاهها آموزشهای مجازی جایگزین تدریس در کلاسهای حضوری شد. اگر چه این شیوه از آموزش روش مناسبی برای دروس نظری محسوب می شود بویژه در شرایطی که به خاطر حفظ سلامت جامعه ناگزیر به استفاده وسیع از آن هستیم ولی در مورد دروس عملی و کارگاهی که اتفاقا بسیاری از دروس اصلی تربیت معلم را شامل می شود، نمی توان با قاطعیت گفت که همه این دروس را مشابه دروس نظری می توان در بستر آموزش الکترونیکی اجرا کرد. اینترنت با سرعت نامناسب و تولید محتواهای آموزشی ضعیف و شیوه تدریس نامتناسب با این روش از آموزش، بعضا آشنا نبودن برخی اساتید و دانشجویان برای استفاده از سامانه های آموزش الکترونیکی و سایر اپلیکیشن های فضای مجازی و ... همگی از عوامل موثر در تعیین میزان کیفیت آموزش آنلاین برای یادگیری هستند. به هر حال آموزش مجازی با همه ایراداتی که دارد در برخی شرایط نظیر شیوع ویروس کرونا شیوه مناسبی است و مسئولان آموزشی باید بکوشند با مرتفع نمودن اشکالات و اصلاح زیرساخت های فنی و ... زمینه استفاده آموزشی بهتر از آن را فراهم آورند.

مقام معظم رهبری در دیدار چند وقت پیش مجدد بر اهمیت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیری شهید رجایی تاکید کرده اند،با توجه به سمت تان فکر می کنید بزرگترین موانع این دانشگاه در مسیر پیشرفت چه چیزهایی هستند؟ و با توجه به اینکه در دانشگاه های مادر نیز حضور داشتید آیا نگاه از بالا به پایینی در مجموعه وزارت علوم نسبت به دانشگاه فرهنگیان وجود دارد؟

یکی از افتخارات دانشگاه فرهنگیان این است که مورد توجه مقام معظم رهبری(مدظله العالی) است و در واقع حمایت مستقیم ایشان از این دانشگاه امروز سرمایه اصلی آن است. مقام معظم رهبری هم به مناسبت هفتهی بزرگداشت مقام معلم در اردیبهشت سال ۹۷ در پردیس نسیمیه این دانشگاه و هم در دیدار اخیرشان با روسا و مدیران آموزش و پرورش هم به تکریم معلمان پرداختند و هم از دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی به عنوان دانشگاه معلم پرور یاد کردند که نشان از اهمیت و جایگاه این دانشگاه دارد. دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه ماموریت گرا و مهم در کلام مسئولین کشوری و مدیران آموزش عالی است. هر چند که این دانشگاه علیرغم تاریخچه ی یکصدساله تربیت معلم ایران از بسیاری از امکانات اولیه دانشگاههای دولتی محروم است. کمبود نیروی انسانی و اعضای هیئت علمی به نسبت دانشجویان، کمبود امکانات و زیر ساخت ها، ناکافی و فرسوده بودن فضاهای آموزشی و ...

فراموش نکنیم هدف اصلی دانشگاه فرهنگیان تعلیم و تربیت معلم برای نظام آموزش و پرورش است. تربیت معلمی متدین، متعهد، متخصص و حرفه ای برای تعلیم و تربیت فرزندان کشور عزیزمان ایران. امیدواریم لدسوزان آموزش عالی و آموزش و پرورش و کسانی که به سرنوشت فرزندان خود اهمیت می دهند توجه بیشتری به این دانشگاه داشته باشند.

اگر مایل هستید با دانشجویان خود که حالا بااجبار بصورت مجازی آموزش های خود جهت معلم شدن را فرا می گیرند، سخنی بگوئید.

مجددا آغاز سال تحصیلی را به اساتید، کارکنان دانشگاه و شما دانشجومعلمان عزیز تبریک می گویم و از خدایند منان برایتان سلامتی و توفیق روز افزون مسئلت دارم. می دانید که شما دانشجو معلم هستید و معلمی بسیار مهم و تاثیر گذار است،کودکان روان پاک دارند و هر صحبت و محبتی می تواند در آن ها تاثیر بزرگ بگذارد. یک معلم با آموزش درست یا غلط می تواند آینده چندین نفر را تغییر دهد... معلم باید بتواند علاوه بر تکلیف و مشق،شاگردانش را با موضوعاتی درگیر کند.نباید به آموزش دادن مانند پر کردن یک ظرف نگاه کرد،معلم باید بتواند آتش اشتیاق و کنجکاوی را در دل دانش آموزانش روشن کند. معیار سنجش یک معلم خوب نمرات پایان ترم دانش آموزان نیست بلکه معلم خوب باعث می شود دانش آموزان سوالاتی بپرسند که خود معلم هم نتواند پاسخ آن ها را بدهد. معلم خوب ! با این تفکر به کلاس برو؛ آینده دنیا در کلاس من است.آینده های خوب و بد، رئیس جمهور های آینده،نویسندگانی که برای روزگاران بعد می نویسند و از همه مهم تر مردم عادی و...و نباید فراموش کرد همین دانش آموزان می توانند دردها و قاتلینی برای آینده باشند. به یاد داشته باشیم یک معلم می تواند دنیا را تغییر دهد.



پاییز بی مهر آمد...

مهر دیگری به مهرهای زندگی مان اضافه شد،چقدر متفاوت است مهر امسال...

پاییز امسال بدون مهر آمد،مگر می شود؟
 آری می شود، مهر و پاییز ما عجین شده بود با بازگشایی مدارس،آه از نوای باز آمد بوی ماه مهر،بوی ماه مدرسه...

مهر امسال حاصل بی مهری این سالهای بشریت است وقتش بود که انتقام این دو قرن سرشار از توحش مدرن را بگیرد از ما ،طبیعت را می گویم...

خزان و دلگیریش اگر برایمان یک سخن دور از واقع بود ولی امسال همان گونه است که در شعرهای عاشقانه و دل های خسته گفته می شد...چقدر درد دارد این پاییز ...چه کسی این روزهای ما را خواهد نوشت؟ آیا می تواند این رنج را بر روی کاغذ بیاورد؟

نمیدانم چند مهر دیگر این چنین بی مهر خواهد بود و پاییز باز بی مهر خواهد آمد ولی میدانم این شب،صبح می شود،صدای خنده های بچه ها در مدرسه دوباره خوش نوایی می سازد و کیف و جزوه به دستان دانشجو، رنگ نشاط و امید را به جامعه تزریق می کنند...

میدانم آن روز می آید که خش خش برگ ها در پاییز به زیباترین موسیقی بی کلام دنیا تبدیل شود،ما پاییز را یکبار از دست داده ایم...برای اینکه پاییز های دیگری را از دست ندهیم بیاییم با هم این ویروس منحوس را شکست دهیم...پاییز و مهر حق ماست،حقمان را با پشت هم بودن و نه در کنار هم جمع شد باز پس خواهیم گرفت...

یادمان باشد خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه بلد این حقیقت را به ما می گویند و می فرماید؛
 «لقد خلقنا الانسان فی کبد»؛ما انسان را در رنج آفریدیم،(زندگی او پر از گرفتاری است) ولیکن خداوند رحمان و رحیم ما در آیه ای دیگر از قرآن کریم به ما می فرماید؛

«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاه ان الله مع الصابرين»
 خداوند ما را وعده داده است که همراه ماست گر صبر کنیم و توکل و تمسک...

آمریکا در مسیر افول، ندای مرگ بر آمریکا در واشنگتن



قریب به دو قرن است که سکولاریسم بر جهان جولان داده است و فرزندان نامشروع او روز به روز شیطانی تر شده اند.

فرزندی چون آمریکا با تاریخچه ای تهی و سرشار از توحش امروز بر جهان امپراطوری می کند ولیکن چه کسی باورش میشد روزی بیاید که در خیابان های واشنگتن و نیویورک صدای مرگ بر آمریکا پییچد و صندلی ریاست جمهوری آن شومن دیوانه را بلرزاند!

امروز مردمان خود آمریکا ،مرگ بر آمریکا را مرگ بر حکومت لیبرال سرمایه دار می دانند و برای این شعار جان می دهند. بزرگی می گفت مرگ بر آمریکا همان الله اکبر است،ما با دادن این شعار به آمریکا می گوئیم تو خدا نیستی که برای همه تصمیم می گیری و همه معادلات را به نفع خود برمی گردانی!

شاید میان مرگ بر آمریکا ما و آمریکایی ها تفاوت در واژه وجود داشته باشد ولی شدیدا هر دو بر جهان محصور آمریکا مرگ میفرستیم و خواهان نابودی این امپراطوری پوشالی هستیم.

اگرچه رخنه این امپراطور پوشالی و متحدان غربی اش بر جهان عمیق است ولیکن خواست مردم تمدن های بزرگ را برکنار یا روی کار آورده...

آیا افول موربانه وار شروع شده است؟؟

در راه حکمت ...

ظهور دین مبین اسلام و گسترش آن در میان جوامع مختلف در پهنه ی وسیعی از عالم، انقلاب اجتماعی و فرهنگی مهمی را تحت تاثیر تعلیم انسان ساز اسلامی به وجود آورد. اقوام و جوامع گوناگون که پیش از آن کمتر ارتباطی با یکدیگر داشتند، تحت لوای توحید در کنار یکدیگر امت واحده ای را تشکیل دادند که منشا تحولات بسیاری در عالم شد. انقلاب اجتماعی اسلام با بر هم زدن روابط غلط اجتماعی حاکم جوامع آن عصر، مردم را از قید و بند تبعیض و استثمار رهانید و با فریاد برابری برای همه، ساختار طبقاتی حاکم بر آن عصر را در هم شکست و ملاک کرامت انسان را نه در زر و زور و قدرت و نژاد، که در تقوای الهی(حجرات.۱۳) معرفی کرد و با تغییر مناسبات انسانی که بر مدار ظلم و تبعیض بنا شده بود، جامعه ای را پدید آورد که در آن افراد دور از هر پیشه و نژاد و تباری می توانستند متناسب با توان و استعداد خویش، رشد کنند و به مقامات عالی علمی، دینی، سیاسی، اجتماعی و... برسند.

ترغیب مسلمانان به دانش پژوهی و خردورزی و سیر در آفاق از سوی قرآن، عامل اصلی ظهور و بروز چنین انقلابی بوده است (قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون-زمر:۹)؛ چرا که طراحی و ارائه چنین مدیریت علمی و فرهنگی کارآمدی از قدرت و ظرفیت انسانی مردم آن روزگار -تا پایان قرن سوم- خارج بود. جز آنکه بپذیریم مسلمانان هنر مدیریت علمی- فرهنگی را دست کم از حیث اصول و مفاهیم نظری از قرآن فراگرفته اند.

به علاوه دوران بیست و سه ساله رسالت پیامبر اکرم (ص) به عنوان بهترین الگوی عملی برای مسلمانان بود که از حیث روحیه و دانش پژوهی، مجوز گرانقدر (اطلبو العلم ولو بالصدین) را صادر کرد و فراگیری علم ولو در اقصی نقاط جهان برای مسلمانان تجویز کرد و یا کلام ارزشمند ایشان که (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) مسئله علم آموزی را همگانی کرد. لذا دیر زمانی از بعثت نبی مکرم اسلام نگذشته بود که ثمره ی این دیدگاه نمایان شد و جامعه ی اسلامی تا قرون متمادی، به جامعه ی پیشرو آن اعصار در علم و فرهنگ و هنر تبدیل شد.



دلنویشته یک معلم برای معلمان

معلمی شغل نیست،معلمی عشق است.

اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای،رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد.

معلمی بسیار مهم و تاثیر گذار است،کودکان روان پاک دارند و هر صحبت و محبتی می تواند در آن ها تاثیر بزرگ بگذارد.

آینده چندین نفر را تغییر دهد...

معلم باید بتواند علاوه بر تکلیف و مشق،شاگردانش را با موضوعاتی درگیر کند.نباید به آموزش دادن مانند پر کردن یک ظرف نگاه کرد،معلم باید بتواند آتش اشتیاق و کنجکاوی را در دل دانش آموزانش روشن کند.

معیار سنجش یک معلم خوب نمرات پایان ترم دانش آموزان نیست بلکه معلم خوب باعث می شود دانش آموزان سوالاتی بپرسند که خود معلم هم نتواند پاسخ آن ها را بدهد.

معلم خوب ! با این تفکر به کلاس برو؛ آینده دنیا در کلاس من است.آینده های خوب و بد، رئیس جمهور های آینده،نویسندگانی که برای روزگاران بعد می نویسند و از همه مهم تر مردم عادی و...و نباید فراموش کرد همین دانش آموزان می توانند دردها و قاتلینی برای آینده باشند.

به یاد داشته باشیم یک معلم می تواند دنیا را تغییر دهد.

#تربیت_خوب_آینده_زیبا



وَ قَالَ (عليه السلام): عِنْدَ تَآهِیِ الشَّدَّةِ، تَكُونُ
الْفَرْجَةُ، وَ عِنْدَ تَصَاقِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ، يَكُونُ الرَّخَاءُ
و درود خدا براو، فرمود: چون سختی ها به نهایت
رسد، گشایش پدید آید، و آن هنگام که حلقه های
بلا تنگ گردد آسایش فرا رسد.
حکمت ۳۵۱ نهج البلاغه

مَختار

معلم تمدن از نوین اسلام

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

قیمت:صلوات

سال دوم، شماره سوم چاپ مهرماه

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

اَنّی ما بعثتُ مُعلِماً...

«اَنّما بعثت معلماً» توصیف هدف والای پیامبر(ص) از زبان خود اوست که شریان نزول وحی را به «معلم بودن» گره می‌زند.معلمی که آمد تا حریم کعبه را از انجاس لات و عزی پاک کند.



معلمی که با تلاش های پیامبر(ص) آشنایی داشته باشد، بر سختی های این راه صبر و مبادرت می ورزد و درخت علم را با حلم پیوند می‌زند.
امام علی علیه السلام درباره تلاش‌های پیامبر در راه نجات از جهالت می فرماید:«همانا خداوند سبحان حضرت محمد(ص) را مبعوث فرمود در روزگاری که عرب کتابی نخوانده بود و ادعای وحی و پیامبری نداشت. پیامبر(ص)اسلام با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سرمنزل نجات برساند و پیش از آنکه مرگشان فرا رسد آن را به رستگاری برساند.با خستگان مدارا کرد و شکسته حالان را زیر بال گرفت تا همه را به راه راست هدایت فرمود». (نهج البلاغه ،خطبه ۱۰۴)

از افتخارات اسلام این است که کارش را با قرائت و علم و قلم آغاز کرد و اولین فرمان خدا به رسولش یک فرمان فرهنگی بود؛ خواندن لوحی که برای اولین بار در برابر پیامبر باز شد، منظم و مکتوب بود.(تفسیر نور-قرائتی)

پیش از بعثت پیامبر مردم شبه جزیره عربستان چنان در جهالت می‌زیستند که پیامبر را می آزردهند.مثلاً در تاریخ آورده‌اند که رسول (ص)خدا مردم را به کلمه لا اله الا الله دعوت می‌کرد و ابولهب هم از پشت سر او را تکذیب و به سوی او سنگ پرتاب می نمود.گاهی زائران که به سراغ ابولهب می آمدند و از او درباره پیامبر (ص)سوال می‌کردند او می‌گفت:«محمد مجنون است و ما مشغول مداوای او هستیم». (تفسیر نمونه).

ولی ایشان به جهت شرح صدری که خداوند عنایت نموده بود سختی‌ها را تحمل می‌کردند و قومشان را نفرین نکردند، بلکه می‌فرمودند:« اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون» یعنی خداوند! این قوم را هدایت کن زیرا که نمی دانند.(بحار الانوار-ج ۱۱ ص ۲۸۹) در فتح مکه هم با اعلام عمومی فرمودند:« لا تثریب علیکم الیوم»(۹۲یوسف) امروز باکی بر شما نیست و همه را بخشیدم همان‌گونه که یوسف تمام برادرانش را یکجا عفو کرد.(تفسیر نور)

ایشان نامه بسیار به فرمانروایان و روسای قبایل می‌نوشتند و اگر آن سرزمین نزدیک بود، به آنجا سفر می کردند به امید اینکه یک نفر حتی یک غلام سیاه، (در آن زمان بردگان جزء افراد نبودند!) ایمان بیاورد.

خداوند با فرستادن پیامبر(ص) در قالب انسان می‌خواست هدایت انسان از نوع هدایت عملی باشد که بهترین نوع تبلیغ است و پیامبران نیز مانند سایرین مردم تلخ و شیرین زندگی را می چشیدند ولی کوتاه فکران خود درگیری کرده و می‌گفتند أ بشر یهدوننا؟ آیا بشری مثل خودمان ما را راهنمایی کند؟

گفتنی ها گفته شد.می‌ماند فاصله‌ای که تو باید آن را پر کنی.اینکه انتخاب کنی چگونه معلمی باشی.می‌گویند یک کلمه فاصله است میان گوش کردن و نکردن،گفتن و نگفتن!



مصاحبه با دانش آموختگان

سلام خدمت همراهان عزیز،در این شماره از نشریه با قرار دادن بخش جدید تحت عنوان مصاحبه با دانش آموختگان سراغ تربیت یافتگان این دانشگاه شریف رفته ایم،این مصاحبه جذاب و البته صمیمی را از دست ندهید.

مسئول اسبق بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان:به عقب برگردم با علاقه،انگیزه و هدفمندی بیشتر دانشگاه فرهنگیان را انتخاب می کردم.(تیتیر گونه)

سلام عرض می کنیم خدمت شما ،سرکار خانوم حسنوند عزیزاز دانشجویان ورودی۹۴ومسئول اسبق بسیج دانشجویی پردیس ایت الله کمالوند خرم آباد.

خیلی خیلی متشکریم که دراین شرایط پیش آمده قبول زحمت کردید و وقتتون رو در اختیار ما گذاشتید.

در ابتدا از شما می خواهیم از روزهای معلیتون و تفاوتش با دوران دانشجویی برامون بگید.

این دوکسوت کاملاً جدا ازم هستن اما بدلیل اینکه در دوران دانشجویی هم تمرین معلمی می کردیم یک شباهت ها و قرابت هایی باهم دارن.نکته مهم اینه که در هردو مقطع باوجود تفاوت ها و اقتضائاتی جداگانه که باهم داشتن ولی برای ما مهم این بودش که معیارها وشایستگی های مختص هر مقطع رو بتونیم در خودمون شکل بدیم .حالا در دوران دانشجویی به یک شکل و در دوران معلمی هم به شکل دیگر.اما تلاشمون این بود که در هردو موقعیت بتونیم که کار و وظیفمون روبه نحو احسن انجام بدیم و به نوعی خودمون رو به اون حداکثر وضعیت مطلوب نزدیک کنیم.

باتوجه به اینکه شمادرتشکل بسیج دانشجویی فعال بودید،آیا حضور در تشکیلات تونسته از شما معلم توانمند تری بسازه؟و آیا دانشجویان رو ترغیب به فعالیت در تشکل های دانشجویی می کنید؟ فعالیتهای ما در تشکل بسیج بویژه فعالیتهایی رو که در حوزه آموزش و پرورش داشتیم به لطف خدا شرایط رو برای ما که معلمان تازه کاری بودیم در ابتدای کار راه رو هموار کرده بود.

ما بخشی از دغدغه هامون رو در تشکل و حوزه تخصصی خودمون که آموزش و پرورش بود.اختصاص دادیم و این خودش باعث شده بود که سطح اطلاعات و دغدغه مندی ما دراین حوزه بالاتریشه و روی عملکرد ما تاثیر مستقیمی داشته باشه.همینطور نفس فعالیت دراین تشکل، درصد فعالیت وکنش پژوهی ما رو بیشتر کرده بود و طبیعتاً این فعالیت و انرژی و پتانسیل در حوزه کاری هم وقتی انسان وارد میشه به کمک میاد که بشه نقش آفرینی خوبتر و دقیق تری رو داشت.

بله قطعاً تشویق به فعالیت در تشکل میکنم و دقیق تر بخوام بگم اینه که بسیار معتقدم فعالیت در تشکل بسیج واقعا وقت رو پربرکت میکنه و حوزه ارتباطی و توانمندی های فردی رو افزایش میده خیلی تاثیرات مثبتی هم داره.

این روزها دانشجومعلمان ندای تحول در نظام آموزشی رو سردادند و خواستار تحول هستند.خصوصاً در مجموعه بسیج دانشجویی.شما هم در طول مسئولیتتون از پیشگامان این جنبش دانشجویی بودید،شاید برای مخاطبان ما جالب هم باشه که بگیم ایده متنا رو شما در پایگاه بنا کردید.به نظر شما که یکی از دانشجوهای فعال در پایگاه بسیج و این جریان بودید،چگونه دانشجومعلمان و معلمان رو نسبت به این مطالبه گری عظیم آگاه کنیم؟

من اعتقادم این هستش که علاوه بر اینکه معلم هستیم به معنای عامی که در ارتباط با دانش آموز هست و کار آموزش و فراتر از اون کار تربیت رو برعهده داره ،یک نکته مهم رو هم باید مد نظر داشته باشیم و اونم اینه که ما یک عضو از جامعه و ساختار آموزش و پرورشیم و اگر می خواییم معلم موفق باشیم نباید نسبت به درد ها و دغدغه ها و چالش هایی که در این حوزه وجود داره بی تفاوت باشیم یعنی علاوه بر رسالت آموزش و بالاتر از اون تربیتی که برعهده ماست خودمون رو به عنوان یک عنصر و یک شخص از این خانواده بزرگ در نظر بگیریم و بخواهیم که ایفای نقش کنیم،کنش پژوهی داشته باشیم و در حوزه عام آموزش و پرورش تاثیرگذار باشیم.

بسیار توسط دانش آموختگان این جمله تکرار می شود که ما در دانشگاه هیچ چیزی یاد نگرفته ایم و هر آنچه یاد گرفتیم از کاروزی بوده!این جمله آیا در ذهن شما نیز آمده و درک شد ؟ با شرایط پیش آمده (شیوع ویروس کرونا)دانشجویان دیگر کارورزی را آنگونه که باید پشت سر نمی گذارند برای این شرایط نظرتان چیست؟

دروسی که ما در دانشگاه می خونیم تقریباً با یک نگاه سطحی میشه در دو دسته جا داد:(۱)بحثهای آموزشی(۲)بحثهایی نظیر روانشناسی و مبانی دروس.

واقعیت امر اینه که شاکله و عنصر اصلی دانشگاه فرهنگیان رو همون طور که گفته شده کارورزی ها شکل میده اما در بحث ارتباط گیری با دانش آموزان و ایفای نقش به عنوان یک عنصر در آموزش و پرورش که شامل افراد و ساختارهایی هستش ،اگه بخواییم در هر دو حیطه ایفای نقش مثبتی رو داشته باشیم.پس لازم هستش که به همه دروس توجه داشته باشیم.

بله درسته،تاکید ویژه ای برای دروس و واحدهای آموزش محور و همینطور کارورزی میشه.

در کلاس کارورزی توصیه و پیشنهادم به همه دانشجو معلمان این هستش که تا جاییکه میتونید تحت نظر اون معلم کلاس تمرین معلمی رو داشته باشید،تا وقتی که بطور رسمی وارد سیستم آموزش و پرورش و مدرسه شدید،به عنوان یک معلم هم ازنظر اعتمادبه نفس هم ازنظر مهارت و توانمندی گام های خوبی رو از قبل طی کرده باشید.

در بحث کارورزی چند تا نکته رو باید مد نظر قرار داد:یکی اینکه اگر در مدارس محیط زندگی خودتون این امکان براتون وجود داره که سر کلاس درس یک مدرسه برید و اون مدرسه با شما همکاری و تعامل داشته باشه خیلی موثر هستش(حالا ممکنه این بصورت رسمی نباشه)اما اگر این امکان موجود نبود، حداکثرکاری که میشه انجام داد این هستش که رجوع کنید به فیلم های آموزشی تلویزیون یا آموزشهایی که در فضای مجازی (مثل سایتهای معتبر،پیچ های اینستاگرام و کانال های تلگرامی)انجام میشه و بخونید از اونها تحلیلی داشته باشید .نکته بعدی که میتونه براتون کاربردی باشه این هستش که خودتون شروع به تدریس کردن،آموزش دادن و تحلیل کردن کنید و همینطور استادتون هم براتون تحلیل و رفع اشکال کنه.

سال اول تدریس برای همه معلمان خاطره انگیز و به یادماندنی هستش.اولین سال تدریس برای شما چطور بود؟ آیا تونستید در تدریس مجازی ایده ها و برنامه های خودتون رو عملی کنید؟

بله.سال اول طبیعتاً برای ماهم همراه با نگرانی هایی بود وهم همراه با خاطرات و لحظات خوب.به لطف خدا تونستیم براین نگرانی هاغالب بشیم.

اما در بحث فضای مجازی(این موقعیت،موقعیتی بود که از قبل کشور تجربه ای بخصوص دراین باره نداشت و دانشگاه فرهنگیان هم عملاً مارو برای چنین شرایطی آماده نکرده بود و دانش و مهارت بخصوصی هم در این باره کسب نکردیم)اما با خلاقیت ها،تلاشها و جستجوهای فردی و پرسش از اساتیدی که دراین حوزه کارکرده بودند، خداروشکر تونستیم این دوران رو هم بدون چالش سپری کنیم.

اگر به عقب برگردید مجدداً دانشگاه فرهنگیان رو انتخاب می کردید؟

بله حتماً. شاید بتونم بگم با علاقه،انگیزه و هدفمندی بیشتر و پر رنگ تری این دانشگاه رو انتخاب می کردم.

یکی از به یاد ماندنی ترین خاطرات دوران دانشجوییتون رو برامون بگید.

قطعاً از زیباترین خاطرات دوران دانشجویی اربعین سالهای۹۷و۹۸هستش که با کاروان دانشگاه سفر اربعین رو تجربه کردیم و خاطرات خیلی خیلی خوبی هم چه موقع لحظه حرکت،چه درحین سفروچه در حین برگشتن برای ما رقم خورد.

و در آخر چه جمله ای برای دانشجو معلمان به عنوان دانش آموخته دانشگاه فرهنگیان دارید؟

ازشورونشاط و ویژگی های خاص دوران دانشجوییتون که مختص همین دوره هستش استفاده کنید،دغدغه هاتون رو مقداری فراتر از دغدغه های صنفی ببرید و روی مسائل اصیل ترذهنتون رو متمرکز کنید و به عنوان یک عضو از آموزش و پرورش برای خودتون اهمیت قائل باشید ،برای مطالباتتون و تحول خواهی هم تلاش کنید با استفاده از شور و نشاطی که دارید،نگاهتون به آینده یک نگاه مثبت و هدفمندی باشه که آن شالله بتونید دوران دانشجوییتون رو به عنوان پلی برای فعالیت بیشتر در ادامه مسیر قرار بدید.

خیلی ممنون از شما خانم حسنوند عزیز،از خداوند منان آرزوی موفقیت های روزافزون شما در عرصه تعلیم و تربیت را خواستاریم.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

معلمان افسران سپاه
پیشرفت کشور هستند.

مَشتا

معلم تمدن از نوین اسلام



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

قیمت:صلوات

سال دوم، شماره سوم چاپ مهرماه

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند



اولین اردوی جهادی ام، در شهریور ماه امسال

بسم الله الرحمن الرحيم

با یکی از بچه ها صحبت می کردیم که متوجه شدم قراره از طرف بسیج دانشگاهمون یه اردوی جهادی برگزار بشه.خیلی دلم می خواست شرکت کنم ولی از طرفی به خاطر کرونا مردد بودم،کلی فکر کردم و نهایتا به این رسیدم که کاری برای رضای خدا و خدمت به خلقش باشه حتما پشتوانش خداست...

با رعایت پروتکل ها و کلی اینور و اونور عازم یکی از روستاهای حاشیه شهر شدیم همینکه رسیدیم بچه هایی که منتظرمون بودن اومدن جلو و دونه دونه سلام کردن.چقدر قشنگ بود شوقی که توی خانوم گفتناشون بود...

بچه هایی که بعد از ماه ها،با دیدن معلم و کتاب و تخته کلی انرژی گرفته بودن و ذوقی که به مدرسه داشتن و خاموش شده بود براشون زنده شد.وقتی رسیدیم برقآ قطع شده بود و همه جا تاریک،می خواستیم توی حیاط کلاسا رو برگزار کنیم که بارون شدیدی گرفت واقعا ناراحت بودیم که یکی از دانشجومعلمایی که همراهمون بود خیلی آروم با یکی از بچه ها نشست یه گوشه و با نور موبایلش شروع کرد.انگار که یهو امیدوار شدیم،با علی گفتیم و شروع کردیم،هنوز ۵ دقیقه نشده بود که برقآ اومد و خیلی راحت تر کارمونو ادامه دادیم.

روز اول تعداد بچه ها کم بود هر کدوم از ما دوتا شاگرد بیشتر نداشتیم،ولی روز دوم و سوم چند برابر شدن و بچه ها با دوستاشون اومده بودن.ناراحت کننده بود دیدن امیر محمد هفت ساله ای که گوشی هوشمند نداشت و حروف الفبا رو فقط تا جایی که مدرسه رفته بود بلد بود، دردناک بود درک بچه های هشت و نه ساله ای که علی رغم باهوش بودنشون هنوز جدول ضرب رو بلد نبودن ولی قشنگ بود که پایان این سه روز بیشتر جدول ضرب رو یاد گرفتن و خیلی از مشکلات ریاضیشون حل شد،قرآن خوندنشون بهتر شد،املاشون و...

از همه قشنگتر امیر محمدی بود بود که حالا دیگه می تونست اسم خودش رو بنویسه. زمان کمی رو کنار هم بودیم ولی مطمئنم تجربه ای بی نظیر و به یاد موندنی خواهد بود، مگه میشه لحظه خداحافظی از هستی ده ساله ای که فقط سه ساعت کنارم بود اونجوری از رفتنم اشک میریخت رو یادم بره...مگه میشه بچه های باهوش و مهربونی مثل بچه های میان گلال رو یادمون بره...

این اردو تموم شد،ولی قدم های من به عنوان یک معلم در این مسیر تداوم خواهد داشت با قدر بیشتر...جهاد ادامه دارد...



شاد برای عدالت؟! نه! اشد بی عدالتی با شاد!

شبکه آموزش دانش آموزان(شاد) با شعار عدالت برای همه دانش آموزان الزامی شدا! آقای وزیر آموزش و پرورش ؛ آن روز که در ساختمان شهید رجایی تهران برای این طرح موسوم به شاد به خود می بالیدید هرگز به کودکان سیستان و خوزستان و کردستان و...فکر کردید؟

آیا آن لحظه که خبر سقوط کودکی برای تهیه گوشی که به آن روز افتاده بود را شنیدید،لحظه ای متأثر شدید؟

آیا لحظه ای به بار روانی شاد برای مردم کم برخوردار فکر کردید؟

آیا شاد برای همه شادی آورد یا فقط برای پدر پولدارها؟!

شعارتان را برای خودتان نگه دارید که شاد امروز اشد بی عدالتی است!

آقای وزیر،چرا برنامه شاد را برای همه الزامی کردید در حالیکه برخی مناطق کشورتان آنتن هم وجود ندارد چه برسد به اینترنت!

مگر شما در کجای این کشور و با چه معیشتی زندگی می کنید که متوجه این موضوع نیستید که برخی خانواده ها توان تهیه گوشی برای فرزندانشان را ندارند،نمی توانند...

آقای وزیر،چرا در آن لحظه ها از میدان انقلاب به پایین را نگاه نکردید و نگاهتان فقط انقلاب به بالا بود!

آقای وزیر آموزش و پرورش چطور است که در جایی از این مملکت خودروی نیم میلیاردی تهیه می کنند و تسهیلات می دهند ،چرا شما برای آینده سازان کم برخوردارتان فکری نمی کنید،اگرچه دیر شده،چه کودکانی که این روزها در حسرت اند و چه شرمندگی پدرها که خانه ها را تبدیل به ماتمکده کرده است.چقدر برنامه شاد معنیش اینجا در نهایت پارادوکس است.

مگر در اصل ۳۴م قانون اساسی هزینه تحصیل دانش آموزان تا پایان ۱۲ سال وظیفه حکومت نبود؟ پس چرا اینجا نه خبری از قانونیست و نه بندی که ببندد این زخم ها را...؟

جامعه ای که داعیه اسلامی بودن دارد،عدالت اصلی ترین رکنش است شما چگونه دارید جامعه را اداره می کند که هرگز این بی عدالتی ها را نمی بینید و مدام گسترشش می دهید...

مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود مجدد بر عدالت این روزهای آموزش و پرورش تاکید کردند،شما چه کردید آقای وزیر؟

عدالت چرا باید لقلقه زبان هایی باشد که این چنین بیگانه اند با این ارزش؟کاش واژه ها و مفاهیم خود انتخاب می کردند بر چه زبان هایی جاری شوند!

برقرار نشدن عدالت در آموزش و پرورش به فرموده مقام معظم رهبری نتیجه اش شکاف طبقاتی در آینده است،آیا لحظه ای به اهمیت آموزش و پرورش در مناسبات اجتماعی نسل های آینده تامل کردید؟

برنامه شاد نیز فرزند معلول متولد شده از نظام آموزشی ایران با ساختار متمرکز است،سیستم آموزشی که فقط پایتخت را مدنظر قرار می دهد و یک نسخه برای کل کشور بدون در نظر گرفتن تفاوت ها و ظرفیت های هر منطقه،می پیچد!

شاد امروز دست روی نقاط حساس زندگی مردمان این خاک گذاشته،اقتصاد و معیشت!

دیگر مهم نیست دانش آموزان چه توانایی بدون نظر گرفتن جایگاه اجتماعیشان دارند امروز اگر پدرت پولدار باشد و گوشی هوشمند داشته باشی و نت پرسرعت دانش آموز توانمند و نمونه ای هستی!

قرار بود در کرونا و بوجود آمدن شرایط سخت معیشتی دست گیر مردمان آسیب دیده این بحران باشیم نه اینکه خود نمکی باشیم بر این زخم عمیق و تازه!

آقای وزیر! آموزش و پرورش باید متولی عدالت باشد چرا که نبود عدالت در آموزش و پرورش یعنی نابود شدن این ارزش در آینده،شاد شما جدای از تمام مشکل هایی که دارد یک ارزش را که میتوان از آن به می توان عنوان ستون جامعه علوی نام برد نشانه گرفته است،شما در برابر له شدن این ارزش و تمام اشک هایی که جاری شد مسئولید...! هم شما و هم آن جامعه روی کاری که برای مردمان کم برخوردارش تلاش نکرد و به فرزندان خود آموخت اگر پول نداشته باشی حتی نمی توانی درس بخوانی اصل سی و اصل یکصدم قانون اساسی هم فقط نقشی بر کاغذ است تو فقط باید پول داشته باشی!

طنزکده متنای

به نوگل تازه شکفته جناب اندک ترم دانشگاه فرهنگیان ...

با عرض سلام ؛ایجناب به استحضار می رساند از آنجایی که یک بسیار ترم پیرهن پاره کرده این مرز و بوم هستم و برای خودم به یک پا مادر بزرگ فرهنگی فرهیخته(نه از آن پرگوها البته!) تبدیل شده ام بدین وسیله بر ذمه خود می دانم وظیفه مادر بزرگیم را کامل کرده و از باغ های پر مشقت مصاحبه ، قبولی و پس از آن گلی چند چیده و شما را میهمان خوش صحبتی خودم کنم(الکی!) و چون از قدیم جناب سعدی فرموده اند:

"حکایت بر مزاج مستمع گوی اگر دانی که دارد با تو میلی

هر آن عاقل(من) که با مجنون (اجالتا شما _ _) نشیند نباید کردنش جز ذکر لیلی(دانشگاهمون)

قصه داشتیم به زبان خودتان سخن بگشایم اما در رویا جناب فردوسی را پریشان دیدم که می فرمود : مشتی بسی رنج بردم در این سال سی می خوی ضایع اش کنی با این کلمات خارجی که وارد زبانمون شدن؟فذا پس از قدری برگ ریزی تصمیم گرفتیم پارسی کهن را پاس بداریم و فارسی جدید را زاپاس .سخن کوتاه کرده و حکایت از سر می گیریم.

پس از اعلام نتایج اولیه کنکور همانند بچه آدم در خانه خود نشسته بودم و به هیچ چیز هم دست نمی زدم که خبر آمد دانش آموزانی چند را برای انجام مصاحبه قبول کرده اند و شواهدش در سایت سنجش هویداست ، نفس را حبس کرده و با قدری تفحص در سایت سازمان سنجش و تحمل قطعی های بی پایانش ، کد هایم را با هزار سلام و صلوات وارد کردم و مشاهده شد که ببععله ایجنانب نیز به حضور مصاحبه گران گرامی پذیرفته شده ام.



اما خوشحالی بعد از آن طولی نکشیدکه پاهای گرامیمان را در جهت یافتن کتاب های احکام و سوالات مصاحبه به فنا دادیم و گوش هایمان را در جهت مشاوره گرفتن از دختر کوکب خانم که سال قبل قبول شده. در حاصل خودم را پشت کنکوری دیدم که در مقطع دکترای فقه و حقوق تدریس می کرد البته با مانتو شلوار رسمی (والبته قسطی!) جوراب مشکی ساق بلند، هدبند و چانه بند ست مشکی. خلاصه سرتان را درد نیاورم که وقتی وارد اتاق گزینش شدم از زور اضطراب به عنفوان کودکی خود بازگشته و مادرم را خواستار شدم(البته به طور نهانی) همانند گوسفندی که در انتظار قصابش است بر روی صندلی نشستم.

- خود تو معرفی کن - به نام خداوند بخشنده مهربان من انسانی هستم رشته سارا جعفری _ _ -.

در همانجا آرزوی معلمی را در زبانه دان مخم انداختم و با نا امیدی به پرسشگر خوش اخلاق و با محبت گزینش نگاهی انداختم تسبیحات حضرت زهرا رو میتونی بگی؟ -(هه این که خیلی راحت مگه نه مغز؟)مغز:هاااا... - خانوم حالت خوبه؟ گفتم تسبیحات حضرت زهرا؟ -بله بلدش تازه خوندم... (و به یادت تمام اذکاری که پیش از ورود به اتاق کذایی خوانده بودم و اتفاقا این قلم هم جزو آنها بود از درون خون گریستم) پس از پانصد سال و اندی خود را جمع و جور کرده و پاسخ را تسلیم کردم که دیدم آن فرشته الهی چیزهایی در دفترش نوشت و من با ذهن خودم خواندم" (حتی قدری در رد کردن این دانش آموز تعلل نورزید با تشکر». در حال فکر کردن به سرنوشت تیره و تار خودم بودم که سنگینی دو چشم را بر روی خود احساس کردم، سر بلند کرده و دیدم بنده خدا سوالی پرسیده و منتظر جواب یک لنگ پا ایستاده بود و گوش های غافل من جز کلمه نماز چیز دیگری به مغزم منتقل نکرده بودند.اینبار با سرعت گفتم: همیشه همه جا و در هر شرایطی نمازم را کامل و بی ایراد می خوانم. ابروی گرامی بالا رفت: یعنی شما می فرمایید در سفر نمازتان را کامل میخوانید؟... تازه ملتفت گندی که زده بودم شدم و ایموچی آن دخترکی که به فرق سر خود میکوبید در مغزم به جلوی چشمانم فرستاده شد. باقی قصه نیز به همین منوال گذشت و من با قلبی خونین به خانه باز گشته و امیدم را با وجود آن پاسخ های درخشان برای همیشه در قلبم مدفون کردم .تا اینکه از طریق شهپر خانم همسایه قبلی خانه مادر بزرگ مان باخبر شدم که پاسخ نهایی کنکور بر روی سایت قرار داده شده ، پس از طی مراحل ذکر شده در کمال تعجب متوجه شدم که به این بهشت برین راه یافته ام. از آنجایی که این خاطره سر به فلک کشیده و تا به اینجا نیز کلکم توسط ویراستار مجله کنده شده است سخن کوتاه کرده و باقی قصه را اگر عمری بود در شماره بعدی خدمتتان عرض می کنم.

گفتم دل من سوخت نفهمید کجام است

از این که چه آمد به سرم هیچ نگفتم

ناصر فیض



وَقَالَ (عليه السلام): اَلْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ، فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ؛ وَ اَلْعِلْمُ يَفْتَقُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَحَابَهُ، وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ.

و درود خدا بر او، فرمود: علم و عمل پیوندی نزدیک دارند. و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می ماند و گر نه کوچ می کند.

حکمت ۳۶۶ نهج البلاغه

مَشنا

معلم تمدن از نوین اسلام



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

قیمت:صلوات

سال دوم، شماره سوم چاپ مهرماه

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

شعر و ادبیات



در آستانه ی سکوتی سرد...
آمدی...

ب تنهایی ام!!

و مرا از این همه درد؛

ب دنیا آوردی

ب ظرافت زیبایی زنانه ات

دنیايي که جز عشق

راهی نبود...

دنیايي که روح ت را

زخمه عشق ب رقص می آورد

نگاهت بهانه بود

آمدی ک در جانم ریشه بدوانی

من پیر درختی

که ب نظاره نشسته

خون ریشه هایش را

کاش قبل تر...

تو را می دیدم

جهانت را

و جهانم را می ساختم

کرونا و آموزش،در نظام های آموزشی برتر دنیا چه می گذرد؟



کرونا، میهمان نا خوانده ای که جهان را سراسیمه و مرعوب کرده است . کرونا در تاریخ جهان ثبت و ماندگار خواهد شد این ویروس که حدود ۸ ماه است در جهان به عنوان یک پدیده نو ظهور هویدا شده است،آسایش و امنیت را از جهان ربوده است.

کرونا از همان ابتدای ظهورش اولین تیر شلیک را به سمت نظام آموزشی پرتاب کرد وبا شیوع این ویروس در جهان نظام آموزشی نیز با چالش ها و تغییرات بسیاری مواجه شد، به طوری که در بیشتر کشور ها مسئولان آموزشی کلاس های حضوری را تعطیل کرده و کلاس های آنلاین را برای اجرای اهداف آموزشی جایگزین کردند. در ایران نیز آموزش مجازی با شبکه آموزش دانش آموزان(شاد) شروع و در جریان است. مدارس در ایران بعد از چند ماه تعطیلی در ۱۵ شهریور به صورت حضوری اختیاری همراه با آموزش مجازی از طریق برنامه شاد و آموزش تلویزیونی وبا رعایت پروتکل های بهداشتی بازگشایی شد.

ما قصد داریم در ادامه این مطلب گریزی به دو کشور آلمان و فنلاند زده و از نحوه آموزش در روزهای کرونایی در این کشورها مطالبی در خور توجه عنوان کنیم. آلمان ، کشوری در قلب اروپا که در ایران و جهان مردمانش به انسان های جدی و منضبط معروف هستند،ژرمنی ها را کسی در اقتصاد نتوانسته شکست دهد و کشوری است که معروف است به سیاست بودجه مازاد که این عمل توانسته در آموزش آن ها نیز تاثیر بگذارد و نظام آموزشی آن را در بین ممتازین آموزش دنیا قرار دهد. ژرمنی ها اگر چه از میزبانی کرونا بی نصیب نماندند اما در ابتدا اخباری خوبی از آن جا مخابره می شد چرا که توانسته بودند وضعیت را پایدار نگه دارند و ویروس را به نوعی کنترل کنند و اوضاع آرام تری به نسبت دیگر نقاط اروپا داشته باشند،که این اوضاع کنترل پایدار تا حدی پیش رفت که در زمان اوج کرونا از کشورهای همسایه چون ایتالیا تقبل بیسمار می کردند! در خصوص عملکرد خوب آلمان در کرونا تحلیل ها و دلایل متفاوتی از سوی کارشناسان مطرح شده از جمله؛ پرکار بودن دولت فدرال آلمان،سریع وارد گود شدن دولت مردان در هنگام مشاهده کرونا در کشور و منضبط و وقت شناس بودن آنها که در تمامی ایالت های ۱۶ گانه آن به وضوح قابل مشاهده بود.

عمل با ارزش دیگر آلمانی ها این بود که مسئولین دولت و حکوت آلمان هرآنچه که برای مردم می پسندیدند ابتدا خود انجام می دادند.هنگام مبتلا شدن خانم مرکل به کرونا که دو هفته کامل را در قرنطینه خانگی به سر برد و امور را به صورت دورکاری پیش می برد و توانست اوضاع را از دور کنترل کند از جمله رفتارهای ارزشمند و الگویی مسئولین آلمان در ابتدای کرونا بود.

تعطیلی نظام آموزشی درآلمانی که در گذشته قبل از کرونا، اگر یک دانش آموز بدون دلیل موجه از رفتن به مدرسه خوداری می کرد مدیر وارد عمل می شد ودر برخی موارد در صورت غیبت های متعدد دانش آموز از خانواده سلب حضانت می شد و مسئولیت را خود بر عهده می گرفتند شرایط سختی را به همراه داشت !

در آلمان مدارس بعد از تعطیلی چند ماهه از اوایل ماه اوت (مرداد) به طور تمام وقت در ایالت های مختلف آلمان باز شدند و دولت فدرال آلمان تدابیر زیادی برای بازگشایی مدارس در نظر گرفت که آموزش و پرورش هر ایالت تدابیر مناسب با اوضاع و شرایط آن ایالت را اعمال می کرد از جمله ؛ الزام به استفاده از ماسک و اجباری کردن این امر برای تمامی کارکنان آموزشی و فاصله گذاری اجتماعی از نوع هوشمند و انجام آزمایش های هفتگی که این مورد در دیگر کشور ها کم رنگتر وکمتر دیده شد !

در آلمان که از همان ابتدای کرونا برای ادامه فرایند آموزش به فضای مجازی روی آورده بودند این بار هم در کنار فضای مجازی به آموزش حضوری ادامه دادند ودر ابتدا اپلیکیشن هایی معرفی شد تا دانش آموزان بازمانده از کلاس حضوری بتوانند محتوای آموزشی خود را دریافت کنند.

دولت آلمان ۱۳۰ میلیون یورو بودجه در نظر گرفت که با آن ۳۰۰ هزار لب تاب وتبلت برای دانش آموزانی که وسایل هوشمند در خانه ندارند خریداری شود،و اقدام دیگری که آموزش و پرورش آلمان انجام داد وام دادن مدارس به دانش آموزان برای خرید لب تاب و تبلت بود!

فنلاند، کشوری در شمال اروپا که معروف است به سرزمین دریاچه ها ،چرا که ۱۰ درصد از این کشور را دریاچه ها تشکیل داده اند.فنلاند یکی از کشور های کمتر کشف شده در اروپا است که حقایق جالبی دارد.فنلاندی ها یکی از شادترین کشور های دنیا هستند ودر سال ۲۰۱۷ پنجمین کشور شاد دنیا انتخاب شده و این به خاطر احساس رضایتمندی است که از زندگی خود دارند وآن ها را شاد و سرحال نگه داشته است وهمه چیز در آنجا در راستای آسایش و راحتی مردم انجام می شود و دلیل این شاد بودن وجود بهترین و موفق ترین سیستم آموزشی در جهان است .

فنلاند یکی از کشور هایی است که نزدیک به دو دهه است که راهکار ها ،روش ها و نوآوری های آموزش این کشور آموزش جهان را دچار دگرگونی های شگرفی کرده و در این ایام یعنی ایام کرونایی هم از این نوآوری هم بی نصیب نمانده و با آیین نامه های بهداشتی و آموزشی مختلف آموزش خود را ادامه داده است.با تعطیلی مدارس فنلاند به علت شیوع کرونا ،معلمان فنلاندی آموزش از راه دور را با استفاده از امکانات اپلیکیشن های خاص شروع کردند معروفترین این اپلیکیشن کریدی(Qridi) که همانند شبکه شاد در ایران معلمان برای آموزش از راه دور از آن استفاده می کنند ودانش آموزان باید دقیقاً مانند شرایطی که در کلاس حقیقی بود رفتار کنند. بر اساس آمار فنلاند اکثر خانه های فنلاندی به اینترنت دسترسی دارند وهمه دانش آموزان در سن مدرسه دارای تلفن همراه هستند. آژانس ملی آموزش فنلاند با همکاری شرکت های تجاری فنلاند لب تاب هایی را به دانش آموزانی که فاقد کامپیوتر هستند برای ادامه آموزش خود اهدا کرد .در فنلاند مدارس بعد از چند ماه تعطیلی در ۱۴ ماه مه بازگشایی شد محدودیت ها را برداشتند وبا روش کنترل شده و مرحله ای، که در مرحله اول مدارس ابتدایی و مهد کودک ها باز می شوند و تصمیم برای بازگشایی مدارس راهنمایی به بعد موکول شد ودراین مدارس برنامه های درسی متفاوتی اجرا خواهد شد تا ریسک شیوع بیماری کمتر شود .فنلاند با این که کمترین ساعت آموزشی را در دنیا دارد بیشترین بازدهی را دارد و دسترسی مساوی به آموزش را حق قانونی برای همه قلمداد می کند و نیروی انسانی را اصلی ترین منبع اقتصادی کشور خود می داند .نظام آموزشی فنلاند در این ایام کرونا با وجود سختگیری های فراوان بهداشتی همچنان سعی می کند سیستم یکسانی را فراهم کند واموزش را در دسترس همگان قرار دهد.

معرفی و نقد فیلم

سلام دوستان عزیز و سینما دوست:

این اولین بخش معرفی فیلم و سریال در نشریه متنا خواهد بود.

مطابق با شعار نشریه متنا ،معلم تمدن ساز نوین اسلامی ، فیلم ها و سریال های ایرانی و همچنین وضعیت سینمای ایران را بررسی خواهیم کرد تا خوراک فکری و بصری تمدن ساز و اسلامی را هم برای خود و هم برای نسل های آینده ای که تحت پرورش ما خواهند بود ،داشته باشیم.

در هر شماره با معرفی یک فیلم یا سریال و نقد متناایی و تخصصی در خدمت شما خواهیم بود.

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾

آیه ۱۷۹سوره بقره...

این آیه قرآن به آیه قصاص در میان جامعه شهرت دارد، و همین موضوع برای ساختن یک فیلم دست مایه خوبی است.

فیلمی تحت عنوان «جان دار»

با نویسندگی و کارگردانی ؛پدرام پور امیری و حسین امیری دوماری

در سی و هفتمین جشنواره فجر به نمایش درآمد که تحسین خیل عظیمی از مردم و منتقدان را برانگیخت ، اما در اکران خیلی موفق نبود.

این فیلم با توجه به موضوعی که داشت؛

که به قول منتقدان سینمای ایران ،سینمای این دوره از آن اشباع است ، اما چنان فیلمنامه فصل بندی شده ای داشت که نقص بی تجربگی و کار اول بودن کارگردانش را پوشانده بود.

انتخاب بازیگران مطرح و چهره و حضور در نقشی که کمتر از آنها انتظار می رفت در آن بازی کنند بمب بعدی تهیه کنندگان این فیلم است.

بازی « باران کوثری و حامد بهداد »که چندین فیلم را به عنوان زوج باهم بازی کرده بودند به خوبی و روان نشان میدهد.

بازی «جواد عزتی» در فیلم قابل دفاع است ، چهره های کمتر دیده شده و جدید مثل بازی «محمد علی محمدی» در نقش جوانی که ناخواسته درگیر قتل شده است تحسین برانگیز است.

بازی «فاطمه معتمد آریا» نه به عنوان مادری که همیشه در سینمای ایران نمایش داده میشود که ستون و شیرازه یک خانواده است بلکه به عنوان شخصی که احساس مادرانه اش باعث از

هم پاشیدگی و کورتر شدن گرهِ زندگیشان شده است خوب و قابل دفاع است.

این فیلم با چهره پردازی ها و گریه های خوب و منطقی ، هم چنین تدوینی که خشم را خیلی خوب در صحنه های دادگاه یا عروسی نشان میدهد هم لایق تحسین است.

و اما نقد متناایی ؛

فیلم همانطور که گفتیم یک خوراک فکری و بصری برای جوامع در حال حاضر به شمار می آید و هم چنین یک آگاهی است.

دوستی داشتم که می گفت من عاشق رمانم چون میتوانم بارها زندگی کنم به جای یک نقاش ،به جای یک پیرمرد در حال احتضار یا حتی به جای یک قاتل و همه این ها به من تجربیاتی میدهد. که اگر در زندگی واقعی ام اگر با مشکلی روبرو شدم بتوانم از پس آن بربیایم فیلم در این دوره وظیفه همان رمان انجام می دهد.

حواسمان باشد فیلمهایی ببینیم که بتواند ما را مسلح به سلاح تجربه برای زندگی بکند.

والسلام علیکم..





مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
معلم بودن افتخار
است.

مَـتـنـا

معلم تمدن از نوین اسلام



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس آیت الله کمالوند خرم آباد

قیمت: صلوات

سال دوم، شماره سوم چاپ مهرماه

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند

آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم!



بخش آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم، سعی دارد زاویای تاسیس مدارس به شیوه کنونی را با زبانی ساده برای معلمان آینده و تمدن سازان امت اسلامی روایت کند. این بخش را از دست ندهید. (برگرفته از کتاب آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم/مارتین کانوی)

یک قرن و اندی پیش در جهان و ظهور امپراطوری غرب، اولین مدارس توسط حکومت ها و امپراطوری های آن روز ساخته شد.

آن روزها مدرسه رویایی بود که در اروپا و پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا وجود داشت. اما هدف مدرسه چه بود؟

چرا با انقلاب صنعتی تاسیس مدرسه، صعود ماورایی در جوامع داشت؟

مدرسه چه سنجیتی با جهان مدرن داشت؟

آن روزها مدرسه و رویایش انقدر در ذهن مردمان، آن آرمان سرای علم و دانش پنداشته می شد که هرگز به ذهن کسی این سوالات خطور نمی کرد.

هری کلی از پژوهشگران عرصه آموزش و پرورش در سال ۱۹۲۵ جمله ای گفت، که امروز آگاهان به مسائل آموزش و پرورش درک می کنند او گفت:

نظام آموزش همگانی (مدرسه) ابزار نیرومندی برای ابقای نظم اجتماعی حاضر است... به کودک یاد داده می شود که تسلیم قدرت شود، خواست دیگران را به عنوان اصل و قاعده بپذیرد و در نتیجه عاداتی در ذهنش تشکیل بشود که در دوره بزرگسالی جملگی به سود طبقه حاکم باشد.

تنها همین جمله کوتاه کلی، از راز تلاش های آن روز جهان غرب برای ورود مدارس در جغرافیای هستی به ما می گوید.

غرب مدرن نیاز به ابزاری داشت تا جهان را به زعم خود تبدیل به جهان واحد کند و همانطور که می بینیم موفق نیز شد!

آن ها در آن روز به اصالت و ظرفیت وجود کودک توجه کردند و دریافتند از طریق انتقال اهداف خود به کودکان می توانند جهان را آنگونه اداره کنند که می خواهند. آن ها با رویای مدرسه آموزش را که تا پیش از آن اختیاری بود را اجباری و همگانی کردند و همه چیز بر محور مدرسه (اسکولینگ) شکل گرفت.

از آن سنجش توسعه کشورها بر مدار سواد و تحصیلات مردان آن بود و بر همان اساس کشورها را به دسته های مختلف تقسیم می کردند. اما آیا واقعا علم همان است که تنها در مدرسه ارائه می شود؟

آیا فقط کسانی که به مدرسه می روند می توانند با سواد باشند؟

چه سواد و علمی معیار توسعه یافتگی است؟

بله سواد معیار است که شما را به اقتصاد بهتری برساند، سوادی که پول ساز باشد. توسعه امروز بر اساس معیارهای اقتصادی سنجش می شود جای این سوال دقیقا اینجا است که پرسیده شود آیا توسعه باید در خدمت انسان باشد یا انسان در خدمت توسعه؟

امروز اما کسی این هدف را قایل نمی کند و همه درس می خوانند که به پول برسند!

و انسان امروز از پرفروش تا به زعم امروزی ها بی سوادش همگی برده هایی هستند در خدمت امپریالیسم جهان در خدمت دنیای سرمایه داری که هر روز بشر را از فطرتش دورتر می کند و و صرفا او را به ابزاری تبدیل می کند که بتواند برای حکومت خوب کار کند!

شما اگر انسان خوبی باشید اصلا ملاک نیست شما در جهان سرمایه داری زمان انسان یا بهتر است بگویم وسیله خوبی هستید که کارایی خوبی داشته باشید و به توسعه خدمت کنید!

مدرسه نیز مکان آکادمیک تولید محصولاتی است که بتوانند به توسعه جهان آنگونه که مدنظر جهان سرمایه داری است خدمت کنند...

مدرسه آن مأمنی بود که غرب توانست با آن نظریه جهان واحد خود را پیاده کند و امروز بر جهان حکومت کند. امروز خواست ها و امیال تماما دنیایی شده پس همه ما در سکولاریسم غرق شده ایم این تفکر بشدت سخت است که حالا از ما گرفته شود چرا که ما ۱۲ سال بالاجبار آموختیم که صرف جهان تجربی و صرف خواست ما مهم است!

راه برون رفت چیست؟

جهان ایسم ها رو به زوال است اما کی و چگونه؟... آیا آن تمدن پرمایه ای که همیشه بر عظمت غرب سایه انداخت در حال ظهور است.....؟

بانک خبری پایگاه بسیج



-زهرة خزایی مسئول بسیج دانشجویی پردیس آیت الله کمالوند شد پیش از او فرنگیس ذوالفقاری پور عهده دار این مسئولیت بود.

در این جلسه تودیع و معارفه؛ مسئولین ناحیه بسیج دانشجویی استان لرستان، مسئولین دانشگاه فرهنگیان استان لرستان و نیز مسئولین نهاد رهبری دانشگاه فرهنگیان استان لرستان حضور داشتند.



دکتر حبیب حاتمی مسئول نهاد رهبری دانشگاه های استان لرستان شد، پیش از این دکتر حاتمی عهده دار این مسئولیت در دانشگاه فرهنگیان استان لرستان بود.



-معاونت آموزش و پرورش پایگاه بسیج دانشجویی پردیس آیت الله کمالوند با همت دانش آموختگان دوره نظام مباحث آموزش و پرورش تشکیل شد.



قرارگاه هسته های بین الملل شهید ابومهدی المهندس بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله کمالوند تشکیل شد.



_اردوی جهادی سه روزه بسیج دانشجویی پردیس آیت الله کمالوند به روایت تصویر



صاحب امتیاز نشریه:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله

کمالوند خرم آباد

مدیر مسئول:

زهرا فلاحی

سر دبیر: زهرا سلیمانی

اعضای هیئت تحریریه:

فاطمه پورمریدی

آمنه شیروانی پور

محبوب توکلی

فاطمه پیرداده

زهرا کرمی

لیلا رحیمی پور

زهرة بیرانوند

سارا جعفری

عاطفه جدایی

مریم عمید

فرنگیس ذوالفقاری پور

صفحه در اینستاگرام:

@Matna_bso

صفحه در پیام رسان بله:

@Matna_basij_kamalvand

در سنگر شهدا



از پیروزی انقلاب، یک ماه گذشت... چهره و قامت ابراهیم، بسیار جذاب تر شده بود هر روز در حالی که کت و شلوار زیبایی می پوشید، به محل کارش-در شمال تهران- می آمد.

یک روز دیدم حوصله درست و حسابی ندارد

گفتم داش ابرام چیزی شده؟

گفت نه مهم نیست...

گفتم اگر مشکلی پیش اومده بگو شاید بتونم کمکت کنم!

به آرامی گفت :چند روزه دختر بی حجابی توی محله به من گیر داده!

گفته تا به دست نیارم ولت نمی کنم.

یکدفعه خندیدم... گفت مگه خنده داره ؟

گفتم هر کسی این تیپ و قیافه شما رو ببینه عاشقت میشه...

گفت یعنی بخاطر قیافم من رو میخواد؟

گفتم شک نکن همینطوره!

روز بعد دیدم ابراهیم موهای خودش رو تراشیده بود، خبری از کت و شلوار

همیشگی نبود... با یه پیرهن معمولی و یه جفت دمپایی اومد سرکار...

این کار رو مدتی ادامه داد، تا اینکه از اون وسوسه شیطانی رها شد...

برگرفته از کتاب سلام بر ابراهیم- زندگی نامه پهلوان شهید ابراهیم هادی